

بینامتنیت قرآنی در غزلیات حافظ شیرازی

احمد رضا یلمه‌ها*

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۲۲

مسلم رجیبی**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱/۱۷

چکیده

در این پژوهش برآن ایم تا از دیدگاه بینامتنیت قرآنی، غزلیات خواجه راز را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. در حقیقت بینامتنیت قرآنی در سخنان این شاعر و عارف بزرگ، در اشکال مختلفی جلوه‌گر شده است. وی از واژگان و عبارات قرآنی به وفور در کلام خویش استفاده نموده است. این پژوهش با هدف نمایاندن بینامتنیت قرآنی در اشعار حافظ و با بررسی چگونگی استفاده حافظ شیرازی از آیات نورانی وحی در غزلیات پر شورش صورت گرفته است تا در پایان بتوان با رنگ و روی قرآنی و دینی غزلیات خواجه راز بیش از پیش آشنا شد.

کلیدواژگان: قرآن کریم، بینامتنیت، حافظ شیرازی، غزلیات، الفاظ و مضامین قرآنی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان (استاد).

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری.

نویسنده مسئول: مسلم رجیبی

مقدمه

نگاه بینامتنی به عنوان شاخه جدیدی از نقد ادبی، کمک زیادی به فهم متون و آثار ادبی کرده است و از طرفی به خوبی نشان می‌دهد که هر اثر زاینده تفکرات اندیشمندان و ادیبان و دیگر متون قبل از خود است، و خود نیز می‌تواند آراء و افکار شعراء و ادباء و آثار پس از خود را مورد تأثیر قرار داده و خود به آفرینش اثر ادبی و هنری منتج شود. در حقیقت حاکی این ماجراست که با بررسی متن موجود و تطبیق آن با دیگر متون هم‌عصر و ما قبل خود این امکان به خواننده داده می‌شود تا با درک بیش‌تری به خواندن متن بپردازد و به فهم آن متن کمک شایانی نماید. در حقیقت نمی‌توان متنی را تصور کرد که خالق آن بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای آن را نوشته باشد، یا از هرگونه رابطه‌ای با متن‌های دیگر دور باشد و متن را از صفر شروع کند، زیرا انسان نمی‌تواند خود را از قید محدوده و وضعیت زمانی و مکانی آزاد سازد (مفتاح، ۱۹۷۷: ۱۲۳).

نگاه بینامتنی به متن فواید بسیاری دارد من جمله می‌توان گفت با بررسی متن موجود و تطبیق آن با دیگر متون هم‌عصر و ما قبل خود این امکان به خواننده داده می‌شود تا با درک بیش‌تری به خواندن یک متن بپردازد و به فهم آن متن کمک شایانی نماید. در حقیقت نمی‌توان متنی را تصور کرد که خالق آن بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای آن را نوشته باشد، یا از هرگونه رابطه‌ای با متن‌های دیگر دور باشد و متن را از صفر شروع کند، زیرا انسان نمی‌تواند خود را از قید محدوده و وضعیت زمانی و مکانی آزاد سازد (همان: ۱۲۳). در حقیقت بینامتنیت از متن‌های بی‌شمار دیگری تشکیل شده و هستی‌اش تنها از طریق ارتباط با متن‌های دیگر تعیین می‌یابد (غذامی، ۱۹۸۵: ۱۳۱).

میخائیل باختین و ژولیا کریستوا به عنوان دو متفکر اصلی و پدیدآورنده این نظریه از بینامتنیت تعریفی اینگونه ارائه داده‌اند: ژولیا کریستوا بنیان‌گذار نظریه بینامتنی معتقد است که تمام متون در یک زیر مجموعه‌ای گرد آمده و با هم درحال مکالمه هستند و اینگونه بینامتنیت را تعریف می‌کند: «هر متن هم‌چون معرقی از نقل قول‌ها ساخته می‌شود. هر متنی به منزله جذب و دگرگون‌سازی متنی دیگر است» (کریستوا، ۱۳۸۱: ۴۴؛ ویکلی، ۱۳۸۴: ۴). وی گویا عقیده دارد که هر متنی در حین نگارش متأثر از دیگر متون می‌باشد، گویا می‌خواهد بگوید بینامتنی عرصه‌ای

است که در آن متون با هم برخورد داشته و تأثر از همدیگر دارند. «هر متنی تلاقی‌گاه متون بی‌شمار دیگر است و صرفاً در ارتباط با متون دیگر وجود دارد» (ابیرمز، ۱۳۸۷: ۴۴۷).

یعنی متن از آن رو که نظامی بسته و خودبسته نیست باید در ساختار روابط اجتماعی متون پیشین و معاصر بررسی و تحلیل شود تا معنا پیدا کند. بینامتنی «ترکیبی کاشی‌کاری شده از اقتباسات می‌باشد و هر متنی فراخوانی و تبدیلی از دیگر متون است» (عزام، ۲۰۰۱: ۳۶). به نظر وی «یک متن، جای‌گشتی از متون و بینامتنی در فضای یک متن مفروض، است که در آن گفته‌های متعددی اخذ شده از دیگر متون، با هم مصادف شده و یکدیگر را خنثی می‌کنند» (الن، ۱۳۸۰: ۵۳). به نظر او هیچ متنی جدای از دیگر متون نیست. بلکه هر متنی اگرچه هم به دیگر متون اشاره‌ای نداشته باشد با متون دیگر در حال مکالمه‌اند و نمی‌توانند متونی یک‌سویه باشند. باختین در تعریف بینامتنی که از آن به عنوان «مکالمه» یاد می‌کند عنوان کرد که مکالمه یا گفت‌وگومندی به رابطه ضروری هر پاره گفتاری با پاره گفتارهای دیگر اطلاق می‌شود.

می‌توان با نگاه بینامتنی پیوندی خوبی بین آثار ادبی و متون دینی برقرار کرد که در این میان قرآن کریم به عنوان ارزشمندترین اثری است که به عنوان یک میراث ادبی و دینی جامع و کامل در آثار شاعران می‌درخشد. از یاد نبریم که بینامتنیت شگردی است برای فرار از یکنواختی و کسالت زندگی روزمره، عبور از مرزهای مکانی و زمانی، گسترش افق‌های فکری و روحی و ایجاد بستر برای تکوین ایده‌های نوین (خدایی، ۱۳۹۱: ۴۷). این پژوهش می‌خواهد با نگاه بینامتنیتی جلوه قرآن را در «غزلیات» حافظ به تصویر بکشد؛ کسی که گستره شعر فارسی را درنوردیده و فضای اعصار و قرون را آکنده از نام نامی خویش ساخته است (ممتحن و شریفی راد، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی: ۱۳۸).

سؤال پژوهش

- ۱- از دیدگاه بینامتنیت آیا حافظ در غزلیات خود الفاظ قرآنی را به کار برده است؟
- ۲- آیا در غزلیات حافظ می‌توان مضامین قرآنی را باز جست؟

فرضیه پژوهش

چنین به نظر می‌رسد که حافظ شیرازی در غزلیات ناب و عاطفه برانگیز خویش، سوای بکاربردن آیات کلام الله، سعی در گنجاندن معانی و مضامین روایی داشته است. از دیدگاه بینامتنیت شاید بتوان گفت که خواجه راز به بهترین وجه از آیات قرآن در کلام خویش استفاده کرده است. از دیدگاه بینامتنیت گمان می‌رود که وی گاه الفاظ و گاه مضامین را برای تأکید سخنان خویش به کار می‌برد. در ذیل به همه این پرسش‌ها و فرضیه‌ها پاسخی روشن و دقیق داده خواهد شد.

پیشینه پژوهش

اگرچه راجع به بینامتنیت و تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی پژوهش‌های زیادی به قرار ذیل صورت گرفته است:

نامور مطلق بهمین (۱۳۸۷). «باختین، گفت‌وگومندی و چند صدایی مطالعه پیشابینامتنیت باختینیت»، پژوهشنامه علوم انسانی؛ خانجان علیرضا، میرزا زهرا. (۱۳۸۶). «بینامتنیت و پیامدهای نظری آن در ترجمه»، مطالعات ترجمه؛ رضایی دشت ارژنه، محمود. (۱۳۸۷). «نقد و تحلیل قصه‌ای از مرزبان‌نامه بر اساس رویکرد بینامتنیت»، نقد ادبی؛ کریمیان، فرزانه. (۱۳۹۰). «بارس و شاتوبریان: از گفت‌وگومندی تا بینامتنیت»، قلم؛ حسن‌زاده، میرعلی عبدالله و قنبری عبدالملکی، رضا. (۱۳۹۰). «بازتاب اشعار سنتی و معاصر فارسی در شعر شفیعی کدکنی (با رویکرد به نظریه بینامتنیت)»، پژوهشنامه ادب غنایی و... ولی به تحقیقی که به بینامتنیت قرآنی در شعر حافظ پردازد، کم‌تر اقبال شده است، چنین مهمی ما را بر آن داشت تا در غزلیات شورانگیز حافظ به کند و کاو پردازیم و غزلیات وی را از دیدگاه بینامتنیت مورد ارزیابی و بررسی قرار دهیم.

بینامتنیت قرآنی در غزلیات حافظ شیرازی

خواجه شمس‌الدین محمد حافظ، ملقب به «لسان‌الغیب» بزرگ‌ترین غزل‌سرای ایران است. بنا به شواهد موجود در سال‌های بین ۷۲۰-۷۳۰ق در شیراز متولد گردید. اجدادش عالم بودند و خود او هم حکمت را نزد شمس‌الدین عبدالله شیرازی فاضل نامی آن زمان آموخت. در باب

زندگی حافظ و خانواده او تذکره نویسان نوشته‌اند: «مادرش اهل کازرون بود و پدرش هم از اصفهان یا از دیگر جای به فارس آمده بود(باکاروان حلّه، زرین کوب: ۵۶). وی به خاطر حافظ قرآن بودن و بنا به توصیه یکی از علمای عصرش تخلص حافظ را در شعر برگزید. دیوان اشعارش زبان دل و گنجینه پر بهای معرفت و حکمت است. خواجه شیراز عارفی عالی‌مقام و دارای روحی بلند و کردار و گفتاری عارف پسند و حکیمی الهی بوده است(انوار، ۱۳۷۰: ۹۷).

همه ما کم و بیش از وامداری این شاعر به شاعران سلف و هم‌عصرش باخبریم، حتی در بیش‌تر موارد مضمون و مدّعیایی که دیگران بارها قبل از حافظ بیان کرده‌اند به گونه‌ای درخشان و عالی گویی خاص حافظ می‌شود(خرمشاهی، ۱۳۸۱: ۷۵/۱، مرتضایی، ۱۳۸۸: ۱۲).

در واقع حافظ با گوشه‌ای از حافظه آن هم حافظه ادبی‌اش شعر نمی‌سروده است بلکه با تمام طبع و با تمام دل‌اش می‌سروده است(خرمشاهی، ۱۳۸۰: ۲۴۳). نگاه بینامتنیتی به غزلیات حافظ می‌تواند نتایج ارزنده‌ای را در بر داشته باشد و پیوند غزلیات حافظ را با آیات وحی تبیین سازد. لازم به ذکر است که بگوییم در عملیات بینامتنی، سه عنصر اساسی که تحلیل متن بر آن‌ها پایه‌گذاری شده، شامل «متن غایب = متونی که در نگارش اثر حاضر دخیل بوده‌اند»، «متن حاضر = متنی که پیش روی خواننده است و مورد تعامل و متأثر از متون دیگر قرار گرفته» و «عملیات بینامتنی = پیوستی از متن غایب و متن حاضر و و بررسی روابط موجود بین آن‌ها می‌باشد» می‌باشند.

در این پژوهش، قرآن به عنوان متن غایب و غزلیات حافظ به عنوان متن حاضر و روابط بینامتنی قرآن با غزلیات خواجه راز به عنوان عملیات تناص محسوب می‌شود که به بررسی بینامتنیت واژگانی، معنایی و حوادث و شخصیت‌های قرآنی می‌پردازد.

بینامتنیت واژگانی

۱.۱ اسلام

متن غائب:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

«امروز دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم» (مائده/۳)

متن حاضر:

چنان زند ره اسلام غمزه ساقی
که اجتناب ز صهبا مگر صهیب کند

عملیات بینامتنی:

دین مبین اسلام موهبت الهی و ارزنده‌ای است که حق تعالی به وسیله حضرات معصومین علیهم السلام تعالیم آن را در سراسر دنیا نشر و بسط داده و موجبات کمال و ترقی بشر را فراهم کرده است. حافظ شیرازی به عنوان شاعری عارف هم‌چون خیلی از شعراء و ادبای دیگر، دین مبین اسلام را به عنوان حقیقتی برتر پذیرفته است. لازم به ذکر است که بگوییم حافظ این واژه را سه مرتبه در دیوان خویش آورده است.

۲. شیطانِ رجیم

متن غائب:

﴿وَحَفِظْنَا هَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾

«و آن را از هر شیطان رانده‌شده‌ای حفظ کردیم» (حجر/۱۷)

در حدیثی هم اینگونه آمده است:

﴿وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِذَا دَخَلَ الْعَبْدُ الْمَسْجِدَ وَقَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ قَالَ الشَّيْطَانُ كُسِرَ ظَهْرِي - وَكَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عِبَادَةَ سَنَةٍ وَإِذَا خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ يَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي بَدَنِهِ مِائَةَ حَسَنَةٍ وَرَفَعَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ دَرَجَةٍ﴾
«اگر بنده‌ای به مسجد داخل شود و بگوید أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ شیطان می‌گوید کمرم شکست. آنگاه که بنده از مسجد خارج می‌شود، شیطان همین لفظ را می‌گوید. خداوند به عنوان پاداش [برای فردی که برای عبادت به مسجد آمده]

به اندازه هر مویی در بدن وی، صد حسنه می نویسد و صد مرتبه درجه ایمان اش را
بالا می برد» (شعیری، ۱۴۰۵ : ۶۹).

متن حاضر:

دام سخت است مگر یار شود لطف خدا
ورنه آدم نبرد صرفه ز شیطان رجیم

(حافظ، ۱۳۷۵ : ۲۵۲)

عملیات بینامتنی:

تهذیب نفس یکی از دستورات دین مبین اسلام است که برای حفظ آدمی از شر شیاطین
طرح ریزی شده است. شایسته است انسان نفس خویشتن را پاک و تطهیر کند از خبائث و
آلودگی ها و هم چون مریضی که باید بدن و سلامتی خود را حفظ کند، او نیز باید نفس را از
هرگونه پلیدی حفظ کند. این عمل را تهذیب نفس گویند. اصل تهذیب نفس عبارت از این است
که انسان از معایب خود آگاه شود، و هر کس بصیرت اش کامل باشد، عیب هایش را سبک
نمی شمارد، و هنگامی که معایب را شناخت، نجات و خلاصی از آنها امکان پذیر می شود (ورام،
۱۳۷۱ : ۱۸۷).

چنانکه ملاحظه می شود حافظ با عنایت به آیه فوق چنین به ابراز عقیده پرداخته است که
وقتی آدمی از دام شیاطین خلاص شود درست این یعنی لطف و رحمت خدای، حال رحمت خدای
زمانی محقق خواهد شد که از دام نفس امّاره خلاصی یابد که به خوبی توانسته است این مضمون
قرآنی را در شعرش بگنجانند. هم چنان که ملاحظه می شود واژه و ترکیب عربی شیطان رجیم در
کلام حافظ برگرفته از آیه فوق و حدیث وارده از اهل بیت علیهم السلام متبلور شده است.

۳. ظل ممدود

متن غائب:

﴿و ظِلِّ مَمْدُودٍ﴾

«و سایه کشیده و گسترده» (واقعه / ۳۰)

و یا این حدیث نورانی:

﴿عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِكَلِمَةٍ يُطْفِئُ بِهَا وَفَرَّجَ عَنْهُ كُرْبَتَهُ لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ الْمَمْدُودِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ﴾

«مام صادق علیه السلام از حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم نقل می فرمایند: کسی که برادر مسلمان خود را با کلمات مودت آمیز خویش احترام نماید و غم او را بزدايد، تا این سجیه در او باقی است پیوسته در سایه رحمت خداوند است» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۷۱).

متن حاضر:

ظل ممدود سر زلف توأم بر سر باد کاندیرین سایه قرار دل شیدا باشد

(حافظ، ۱۳۷۵: ۹۹)

عملیات بینامتنی:

پر واضح است که حافظ در کاربرد ظل ممدود را سوای اقتباس از آیه نورانی، گوشه چشمی به این حدیث نورانی دارد. اگر چه در کلام حق تعالی و حدیث اهل بیت علیهم السلام رنگ و رویی دینی داشته ولی حافظ آن را در بافتی غنایی و عاشقانه گنجانده است.

۵. تبارک الله

متن غائب:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي يَدِيهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

«پربرکت و زوال ناپذیر است کسی که حکومت جهان هستی به دست اوست، و او

بر هر چیز تواناست» (ملک/۱)

متن حاضر:

سرم به دینی و عقبی فرو نمی آید تبارک الله از این فتنه‌ها که در سر ماست

(حافظ، ۱۳۷۵: ۲۳)

عملیات بینامتنی:

این عبارت قرآنی را خواجه راز در دو بیت دیگر هم به کار برده که حکایت از این حقیقت برتر است، که از این شاعر ژرفاندیش به الفاظ تابناک وحی و عبارات نورانی قرآن تسلطی شگرف دارد.

۶. تسبیح

متن غائب:

﴿الْعُرْتَرَانِ اللَّهُ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾

«آیا ندیدی تمام آنان که در آسمان‌ها و زمین‌اند برای خدا تسبیح می‌کنند، و هم‌چنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده‌اند؟! هر یک از آن‌ها نماز و تسبیح خود را می‌داند؛ و خداوند به آنچه انجام می‌دهند داناست» (نور / ۴۱)

متن حاضر:

تویی آن گوهر پاکیزه که در عالم قدس ذکر خیر تو بود حاصل تسبیح ملک

(حافظ، ۱۳۷۵: ۳۰۲)

تسبیح یاد و نام حضرت حق جل و علی است که به استناد آیه نورانی وحی در سوره مبارکه نور، تمامی موجودات آفرینش از زمینیان گرفته تا آسمانیان، خداوند را به بزرگی یاد می‌کنند. حافظ هم به خوبی به این مسأله اشاره می‌کند.

بینامتنیت معنایی

۱. بهشتی که وعده حضرت حق است

متن غائب:

﴿تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا﴾

«این است بهشتی که به بندگان پارسای خویش میراث می‌دهیم» (مریم/۶۳)

متن حاضر:

حافظا خلد برین خانه موروث من است اندر این منزل ویرانه نشیمن چه کنم

(حافظ، ۱۳۷۵: ۳۱۳)

عملیات بینامتنی:

فردوس برین که وعده‌ای حقیقی است و به عباد صالح خدا می‌رسد از منظر کلام و نگاه نافذ حافظ دور نمانده است. در حقیقت این خانه موروثی که حافظ به آن اشاره کرده است و نوستالژی‌وار از آن دیار یاد می‌کند همان جنت موروثی است که در آیه نورانی فوق به وضوح دیده می‌شود. گویا طنزگونه هم به ادامه آیه اشاره‌ای داشته که وی هم از زمره افراد متقی و عباد صالح خداست لذا چنین در ادامه مصراع سروده است که اندرین منزل ویرانه نشیمن چه کنم.

متن غائب:

معاویه بن وهب گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «زمانی حسن بن علی علیهما السلام با چند تن از یاران اش نزد معاویه بودند، معاویه از آن حضرت پرسید: ای ابا محمد مرا آگاه ساز که «مروت» چیست؟ فرمود: مروت آن است که مرد دین خود را حفظ نماید، و حرفه و پیشه خود را نیکو گرداند، و هم‌چنین نیک رفتاری در حال کشمکش و ستیز، و سلام دادن و با نرمی سخن گفتن، و خویشتن‌داری، و دوستی مردم می‌باشد» (محمدی شاهرودی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۲۷).

متن غائب:

نامیدی از رحمت و عفو الهی

﴿لَا تَقْنُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾

«از بخشایش خدا نومید مباشید که خدا همه گناهان را می‌بخشاید» (زمر/۵۳)

متن حاضر:

از نامه سیاه نترسم که روز حشر با فیض فضل او صد از این نامه طی کنم

(حافظ، ۱۳۷۵: ۳۲۷)

عملیات بینامتنی:

حافظ شیرازی با استناد به آیه نورانی فوق که فرموده است اگر همگان گنهگار باشید از خداوند نومید مشوید، وی هم رندانه و بسی امیدوارانه نامه سیاه اعمالش را واقعی نمی‌نهد و از هول روز قیامت ترسی به دل راه نمی‌دهد چراکه فضل خدا را فراگیر دیده است. این فضل خدایی که در سخن حافظ دیده می‌شود، همان رحمت خداوند است که با امیدی مضاعف از فضل و رحمت خداوند دم می‌زند.

بینامتنیت شخصیت

۱. آدم

متن غائب:

﴿وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَرَوْحُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾

«و ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شوید! و از هر جا که خواستید، بخورید! اما به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود!» (اعراف/۱۹)

متن حاضر:

هش دار که گر وسوسه عقل کنی گوش آدم صفت از روضه رضوان به در آیی

(حافظ، ۱۳۷۵: ۳۸۹)

عملیات بینامتنی:

چنان که ملاحظه می‌شود حضرت آدم و ماجرای اسکان وی در بهشت برین به همراه همسرش و آنگاه اغوای شیطان آن دو نفر را تمامی کتب دینی نوشته‌اند. در رأس آن‌ها آیات وحی بارها و بارها به این ماجرا اشاره می‌کند. هر شاعر مسلمانی به این ماجرا اشاره کرده و از آن

زمره حافظ شیرازی است که به زیبایی به آن ماجرا اشاره می‌کند و نام حضرت آدم را به تصویر می‌کشد.

۲. موسی

متن غائب:

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَلَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾

«و هنگامی که موسی به مبعادگاه ما آمد، و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا! خودت را به من نشان ده، تا تو را ببینم!» گفت: «هرگز مرا نخواهی دید! ولی به کوه بنگر، اگر در جای خود ثابت ماند، مرا خواهی دید!» اما هنگامی که پروردگارش بر کوه جلوه کرد، آن را هم‌سان خاک قرار داد؛ و موسی مدهوش به زمین افتاد. چون به هوش آمد، عرض کرد خداوند! منزهی تو(از اینکه با چشم تو را ببینم)! من به سوی تو بازگشتم! و من نخستین مؤمنان ام!» (اعراف/۱۴۳)

متن حاضر:

با تو آن عهد که در وادی ایمن بستیم هم چو موسی ارنی گوی به میقات بریم

(حافظ، ۱۳۷۵: ۳۱۸)

عملیات بینامتنی:

هم‌چنان که ملاحظه می‌شود نام حضرت موسی و ماجرای وادی ایمن در قرآن کریم به کار رفته است و از دیدگاه بینامتنیت از نظر حافظ شیرازی دور نمانده است و آن را در اشعار شورانگیز خود به کار برده است.

عیسی

متن غائب:

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَبَدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالسُّورَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَمْرِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأَمْرِي وَتَبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِأَمْرِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِأَمْرِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنَّا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾

«(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم! زمانی که تو را با روح القدس تقویت کردم؛ که در گاهواره و به هنگام بزرگی، با مردم سخن می‌گفتی؛ و هنگامی که کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختم؛ و هنگامی که به فرمان من، از گل چیزی به صورت پرنده می‌ساختی، و در آن می‌دمیدی، و به فرمان من، پرنده‌ای می‌شد؛ و کور مادرزاد، و مبتلا به بیماری پسی را به فرمان من شفا می‌دادی؛ و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده می‌کردی؛ و هنگامی که بنی اسرائیل را از آسیب رساندن به تو بازداشتیم؛ در آن موقع که دلایل روشن برای آن‌ها آوردی، ولی جمعی از کافران آن‌ها گفتند: این‌ها جز سحر آشکار نیست!» (مائده/۱۱۰)

متن حاضر:

جان رفت در سر می و حافظ به عشق سوخت عیسی دمی کجاست که احیای ما کند

(حافظ، ۱۳۷۵: ۱۳۵)

عملیات بینامتنی:

از دیدگاه بینامتنی می‌توان به وضوح به این حقیقت دست یافت که شاعر مسلمان و عارف پرشوری هم چون حافظ به این حقیقت واقف بوده است که حضرت عیسی مسیح از دمی احیاگر برخوردار بوده و مردگان را جانی دوباره می‌بخشیده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود خواجه راز حافظ شیرازی از دیدگاه بینامتنیت معانی متن غائب را در غالب غزلیات خود گنجانده و شعر

وی، همه الهامات و حدیث قدسی و لطایف حکمی و نکات قرآنی است. عبارات و الفاظ قرآنی و روایی در اشعار حافظ، خود نشانگر توجه و انس او به قرآن در دقت سرودن آن‌هاست. به راستی که باید گفت:

ز حافظان جهان کس چو بنده جمع نکرد لطایف حکمی با نکات قرآنی
ندیدم خوش تر از شعر تو حافظ به قرآنی که اندر سینه داری

نتیجه بحث

نگرش نوینی که در عرصه نقد ادبی بر این اساس بنیان نهاده شده که هیچ متنی خودبسنده و اصیل نیست، بلکه واگویی‌ای از متون پیش از خود «بینامتنیت» نام دارد. در حقیقت مؤلفان متون خود را به یاری اذهان اصیل خویش نمی‌آفرینند، بلکه این متون را با استفاده از متون از پیش موجود تدوین می‌کنند. در حقیقت اندیشه انتقال معنی یا لفظ و یا هر دو، از یک متن به متنی دیگر، یا از یک اثر ادبی به اثر ادبی دیگری با اختلاف در مقصد و هدف اطلاق می‌شود. غزل‌سرای بزرگ قرن هشتم هجری که همگان شهرت‌اش را به حافظ مرهون حفظ آیات نورانی وحی می‌دانند، شاعری است معتقد و با ایمان.

از یاد نبریم منبع دومی که حافظ سعی داشته است بعد از آیات وحی غزلیات‌اش را از دقایق و لطایف آن برخوردار سازد، احادیث و روایات وارده از ناحیه حضرات معصومین علیهم السلام است. حافظ در غالب غزلیات شورانگیزش معانی غائب متن را گنجانده و بدین‌گونه رنگ و روی مانایی به اشعار بخشیده است؛ به طوری که خواننده با دریافت چنین مضامین نورانی آیات وحی و مضامین نورانی روایات اهل بیت علیهم السلام به تأمل واداشته می‌شود که چگونه می‌توان کلامی این‌گونه سرود که گذر ایام چیزی از حلاوت و لطافت آن کم نکند؟!.

کتابنامه

قرآن کریم.

- انوار، محمود. ۱۳۷۰، **سفینه حافظ**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الن، گراهام. ۱۳۸۰، **بینامتنیت**، ترجمه پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- حافظ، شمس الدین محمد. ۱۳۷۵، **دیوان اشعار**، با مقدمه قزوینی و غنی، تهران: جمهوری.
- خرمشاهی، بهاءالدین و مسعود انصاری. ۱۳۷۶، **پیام پیامبر(ص)**، تهران: منفرد.
- خرمشاهی، بهاءالدین. ۱۳۸۰، **ذهن و زبان حافظ**، تهران: ناهید.
- خرمشاهی، بهاءالدین. ۱۳۸۱، **حافظ نامه**، دو جلد، تهران: علمی و فرهنگی.
- شعیری، تاج الدین. ۱۴۰۵ق، **جامع الأخبار**، قم: انتشارات رضی.
- عزام، محمد. ۲۰۰۱، **النص الغائب**، دمشق: نشر دار الشروق.
- محمدی شاهرودی، عبد العلی. ۱۳۷۷، **معانی الأخبار**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مرتضایی، جواد. ۱۳۸۸، **ز شعر دلکش حافظ**، تهران: معین.

مقالات

- ممتحن، مهدی و سمانه شریفی راد. زمستان ۱۳۹۰، «**مدح در اشعار منتبسی و حافظ**»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد جیرفت، دوره ۵، شماره ۲۰، صفحه ۱۳۷-۱۴۹.